

دفاع از زندانیان بی دفاع

آبانماه ۱۳۸۸

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی
(سدازا)

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

به نام خدایی که انسان را آزاد و
شبيه خود آفرید

آموزش روش های دفاع از زندانی
به خانواده های زندانیان عقیدتی - سیاسی

Sadaza-2009@live.com



دفاع از زندانیان بی دفاع عقیدتی - سیاسی.....	Error! Bookmark not defined.
مقدمه:.....	۴
گفتار اول:.....	۵
هر ایرانی خانواده هر زندانی.....	۵
از آنجا شروع شد که ..	۵
چرا میگوئیم زندانی بی دفاع؟.....	۶
چرا دفاع همگانی از زندانیان اعتقادی ضروری است؟.....	۷
گفتار دوم:.....	۹
توصیه هایی به خانواده زندانیان سیاسی -عقیدتی.....	۹
1. پیگیری مستمر و مداوم قضایی	بچسبید و ول نکنید!
2. نامه نگاری و دیدار با مسئولان	بازجویان هم چیزهایی برای ترسیدن دارند!
3. ارائه اخبار به رسانه های خبری	آنکه نمیداند فقط خواجه حافظ شیرازی
باشد!.....	۱۰
➤ دو توصیه بسیار مهم:.....	۱۱
• عزیز دربندتان را خبر ثابت رسانه ها کنید.....	۱۱
• با ارباب و تهدید کوتاه نیایید.....	۱۲
➤ اهمیت فعالیتهای حقوق بشری در بستر رسانه ها.....	۱۲
سرگشاده کردن نامه ها.....	۱۲
4. تجمعات و حرکتهای جمعی	گاهی فریاد لازم است!
۱۳.....	۱۳
کانون خانواده های زندانیان عقیدتی - سیاسی.....	۱۳
آشنایی با روشهای ماموران و بازجویان در برخورد با خانواده های زندانیان	عقیدتی - سیاسی:
➤ نمونه ای از نامه نگاری:.....	۱۵
➤ نمونه ای از معرفی در ویکی پدیا.....	۱۶
➤ نمونه ای از یک کمپین حمایتی.....	۲۲

مقدمه :

تمامی کائنات و هستی بر اساس نظم و عدالت بنا شده است.
عدالت، جامد نیست، یا ذرات معلق جدا از هم نیست.
عدالت همچون روح حاکم بر جهان یکپارچه و به هم پیوسته است.
هر کجا که عدالت گسست یابد، روح حاکم بر جهان متاثر از آن خواهد شد. همه موجودات متاثر از آن خواهند
شد.^۱
روح جهان از بی عدالتی زخمی است. ما نیز زخمی بی عدالتی ها در هر نقطه از زمین هستیم، چه خود بدانیم یا
ندانیم.
اگر موجودی کشته شود، مثل کشتن همه موجودات است.
اگر به انسانی ظلم شود، به همه انسانها ظلم شده است.
بی عدالتی در حق یک نفر یعنی بی عدالتی در حق همه انسانها.
آنکه سکوت میکند، انسانیتش به خواب رفته است و درد را نمیفهمد.^۲
بی قوارگی کنونی در روابط انسانها، ظلم و بی عدالتی در اینجا و آنجا، حتی فریاد خشم آگین طبیعت را نیز بلند
کرده است زیرا گسست در عدالت به بی نظمی و بی نظمی به پریشان حالی هستی منجر میشود.

۱. هر آنچه در بالاست در پایین است. هر آنچه در درون است در بیرون است.
۲. من درد مشترکم ، مرا فریاد کن. " احمد شاملو"

گفتار اول:

هر ایرانی خانواده هر زندانی

از آنجا شروع شد که...

در گرگ و میش صبح، صدای زنگ ممتد در، سکوت را میشکنند. همه اعضای خانواده با اضطراب از خواب می پرند. چه کسی در این وقت بی وقت پشت در است؟

سه - چهار نفر با لباس شخصی و چهره های گرفته و نگاه سرد تر از سلاح سرد، حکمی را نشان میدهند و وارد خانه میشوند. خانه در مدت دو - سه ساعتی که آنها هستند کاملا به هم ریخته می شود. ماموران همه بردنی ها را با خود میبرند. از جمله مرد یا زنی از اهالی خانه را. آنچه برجا می ماند چشم های گریان دیگر اهالی خانه است در بین دیوارهایی که فاصله هایشان بسیار تنگ شده است. گاهی نیز حکم بازداشتی در کار نیست. به در خانه می آیند و به بهانه ای او را با خود میبرند یا میربایند. با خشونت کم یا شدید.^۳

از صبح همان روز ماراتن نفس گیر خانواده آن زن یا مرد برای پیگیری وضعیت عزیز در بند شان آغاز میشود. ماراتنی که چندین ماه یا سال بطول میکشد.

در ابتدای این ماراتن (در اغلب موارد) وضعیت افراد بازداشتی نامعلوم است. به این معنی که خانواده تا مدتی (از دو هفته تا نود روز^۴ یا بیشتر) هیچ اطلاعی از عزیزشان ندارند. برای یافتن مفقود شده شان به هر کجا که مراجعه میکنند نتیجه ای نمیگیرند. انگار آب شده و به زمین رفته است. بی خبری، پاسخ های سربالای مراجع قضایی مانند "ما اطلاعی نداریم"، "چنین کسی اینجا نیست" نگرانی ها را به خوره ای دائمی و جانکاه تبدیل میکند. چه شکنجه ای بدتر از بی خبری است؟ اضطراب، دلشوره، گریه، دل پیچه، بی اشتها، بیم و ترس همه اینها برای خانواده های زندانیان امنیتی خاطره هایی تلخ و آشناست.

^۳. عبد الله رمضان زاده با ضرب و شتم بسیار که منجر به جراحت و شکستگی های متعدد در او شد در خیابان دستگیر شد.

^۴میثاق یزدان نژاد، دانشجویی که به مدت سه ماه ناپدید شده بود و بعد از آن از اوین به منزل تلفن کرد.

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

بعد از این دوره خلاء که شکنجه روانی شدیدی هم برای زندانی و هم برای خانواده او، محسوب میشود، یک تلفن کوتاه یک دقیقه ای معلوم میکند که ناپدید شدنی در کار نبوده و فرد بازداشتی یا ربوده شده، مفقود و سربه نیست نشده بلکه در یک سلول انفرادی در یکی از زندانهای امنیتی عموماً ۲۰۹ اوین یا بند ۲ الف یا... محبوس بوده است. این بی خبری عمدی نیز اولین مرحله برای در هم شکستن زندانی و خانواده اوست. دوره ای که اغلب گزارش شده بازجویی های سخت و طولانی، شکنجه های روانی و در موارد خاص تر، شکنجه های سخت فیزیکی و فشارهای زیاد اعمال میشود. هدف دلتخواه در این دوره، اول، درهم شکستن و بعد اعتراف و پذیرش اتهامات است. اتهاماتی نظیر اقدام علیه امنیت ملی، براندازی نرم، تلاش برای انقلاب مخملی و ارتباط با بیگانگان سنگین ترین اتهامات و در عین حال سخت ترینها برای اثبات هستند. و در کنارش اتهاماتی مانند فساد اخلاقی و مالی، داشتن مواد مخدر و مشروبات الکلی یا اسلحه^۵ در خانه که به اغلب زندانیان عقیدتی - سیاسی زده میشود.

ساده ترین راه اثبات چنین اتهاماتی، اعتراف متهم علیه خود میباشد ان هم اعترافی تلویزیونی و با میلیونها شاهد.

شاید آنقدر که شکسته شدن زندانی بدین وسیله مهم باشد، اعتراف و پذیرش ان اتهام مهم نباشد. طول مدت این دوره به عواملی از جمله مقاومت زندانی بستگی دارد اما بازتاب وضعیت و شرایط زندانی در افکار عمومی و رسانه ای شدن اخبار او نقش تعیین کننده ای دارد.

چرا میگوییم زندانی بی دفاع؟

در طول این سالها تقریباً در مورد همه زندانیان عقیدتی سیاسی غیر از اعترافات تلویزیونی متهم، هیچ سند و مدرک دیگری علیه او وجود ندارد. اعترافات که اعتبار آن زیر سوال است و همه زندانیان آزاد شده آن اعترافات را تحت فشار و غیر واقعی توصیف میکنند. اعترافات که نتیجه معامله ای تمیلی و اجباری بین زندانی و بازجوست. اعتراف تلویزیونی در برابر خلاصی از آن وضعیت جهنمی. پذیرش لفظی اتهامات برای مصون ماندن از چشم انداز سیاهی که بازجویان نقاشی کرده اند.

این توافق بر پایه اعتمادی یکطرفه و ناگزیر است. زندانی تضمینی ندارد که طرف مقابل به عهدش وفا کند اما چاره ای هم ندارد. ابتدا او باید پا پیش بگذارد و اعتراف کند در حالیکه اعتمادی وجود ندارد.^۶ اما زندانی در جایی که قانون و قدرت مطلق، بازجوست دستش به جایی بند نیست. مانند مسابقه بوکس با شرایطی ناعادلانه در رینگ. بازجو

^۵. مسعود بهنود، روزنامه نگار در هنگام تفتیش منزلش با کشف مواد مخدر، مشروبات الکلی، فیلم مبتذل روبرو شد. همچنین نادر دادخواه، وکیل و از فعالان حقوق بشری به داشتن مواد مخدر و اسلحه گرم در دفتر کارش متهم شد. که بشدت از سوی وی تکذیب شد. ایراد اصلی این کشف ها نبودن شاهد سوم و بی طرف و صرفاً با اقرار مامور مفتش بوده است.

^۶. از خاطرات عباس عبدی از زمان زندان و اعتراف.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

هیچ قاعده ای را رعایت نمیکنند، از کشتی کج استفاده میکنند و خودش داور مسابقه است. زندانی مجبور به بازی است اما دستهایش از پشت بسته است.

اینجاست که حمایت و دفاع از زندانی اهمیت و ضرورت می یابد. دفاع از کسانی که تنها بخاطر استفاده از حق ذاتی آزادی بیان که در قانون جهانی حقوق بشر و قانون اساسی کشور تصریح و تاکید شده است، در زندان بسر میبرند. زندانیان عقیدتی - سیاسی از آنجهت در زندان بسر میبرند که برای آنچه میگویند یا فکر میکنند، نه با کلام و سخن بلکه با واکنشی بی تناسب یعنی با برخوردهای فیزیکی و امنیتی روبرو شده اند.

زندانی عقیدتی - سیاسی، به ناحق زندانی شده و به ناحق تر با او رفتار میشود. حقوق انسانی او نادیده گرفته شده و حقوق اش به عنوان یک زندانی هم رعایت نمیشود. وکیل اجازه دیدار با متهم را ندارد. اجازه مطالعه پرونده را ندارد. در هیچ یک از جلسات بازجویی حق حضور ندارد. حتی در جلسه دادگاه هم نمیتواند حضور یابد. البته اگر بتواند مراحل اخذ وکالت را طی کند. زندانی شکنجه میشود، قبل از دادگاه و اثبات اتهام، تخریب و ترور شخصیت میشود. اتهام او بارها تغییر میکند و ادله مشخصی ارائه نمیشود. مراحل قانونی یا طی نمیشود و یا با چالش و ناقص و بسیار طولانی طی می شود. در تمام این مدت خانواده زندانی اغلب از دیدار و اطلاع از وضعیت دقیق زندانی و پرونده اش ناامیدند.

زندانی عقیدتی - سیاسی تنها عضو خانواده نیست که زندانی و شکنجه میشود بلکه همه اعضای خانواده او تحت فشار و شکنجه هستند و آسیب های جدی روحی و روانی میبینند. برخوردهای خشن از سرباز و زندانبان تا مامور و قاضی، عدم پاسخ دهی مسئولانه، ابهام در وضعیت پرونده و اتهامات، خشم و بغض فرو خورده ای را در گلو خانواده فرو میکند که هر روز شدیدتر و فروخورده تر میشود.

چرا دفاع همگانی از زندانیان اعتقادی ضروری است؟

- در شرایطی که هر نقد و نظر متفاوت یا مخالفی به جای گفتمان و مباحثه، به شکل امنیتی سرکوب میشود، در شرایطی که زندانیان عقیدتی - سیاسی در ایران تحت فشارهای غیر قانونی، نا آشکار و قلدرانه قرار میگیرند تا از عقیده خود باز گردانده شوند، در شرایطی که موارد قانونی یا اجرا نمیشود یا از آن سوء استفاده میشود، برای ایجاد تعادل و میزان کردن ترازوی عدالت ضرورت دارد که همه ایرانیان از زندانیانی که به دلیل ابراز عقیده زندانی شده و ناعادلانه محاکمه میشوند، دفاع کنند. ضرورت دارد هر ایرانی آزاد اندیش، خود را خانواده هر زندانی عقیدتی -

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

- سیاسی بدانند و مانند یکی از عزیزان خود نسبت به وضعیت او نگران و پیگیر باشد.
- در شرایط کنونی، وکلای مدافع با محدودیتهای بسیاری مواجه اند و خانواده یک زندانی عقیدتی - سیاسی به تنهایی نمیتواند از آن فرد زندانی که یک فرد متفکر و فعال جامعه است و برای همین تفکر در زندان است، دفاع موثری داشته باشد. حتی خانواده زندانی، بواسطه فشارهای روانی، خود نیازمند مددکاری هستند و باید تحت حمایت قرار بگیرند. خانواده های بزرگتری که این خانواده به آنها تعلق دارد، اعضای صنفی و شغلی، همکلاسیان، هم کاران، همشهریان و هم وطنان داخل و خارج از ایران باید این کلونی کوچک طوفان زده را حمایت و همیاری کنند.
 - سکوت در برابر تضييع حق ديگران يا بي تفاوت بودن نسبت به آن، کمک به گسترش ظلم و ظالم پروری است. انسانیت انسان اقتضا میکند به رنج و بی عدالتی که هم نوع اش را گرفتار کرده بی تفاوت نباشد. بنی آدم به راستی اعضای یکدیگرند و هم روح اند.
 - حق گرفتنی است نه دادنی. باید حق را طلب کرد. اگر کسی آگاهانه حقی را تضييع میکند، نمیتوان انتظار داشت دو دستی آن را پس بدهد. سکوت و بی تفاوتی در برابر تضييع حق، هم فرد غاصب حق را تشویق به ادامه کارش میکند و هم جامعه را نسبت به آن بی تفاوت میکند. واضح است که با ادامه این وضعیت، بازگشت به قبل بسیار سخت تر میشود.

Sadaza-2009@live.com

گفتار دوم :

توصیه هایی به خانواده زندانیان سیاسی - عقیدتی

اگر یکی از اعضای خانواده شما بخاطر ابراز عقایدش در این وضعیت قرار گرفته است یک زندانی عقیدتی- سیاسی به حساب میاید. مهم نیست چه اتهاماتی به او زده میشود. مهم نیست در کجا و چگونه آن را بیان کرده است، در یک سخنرانی یا در کلاس درس و محل کارش، مطالبات صنفی داشته یا خواستار برابری حقوق زن و مرد بوده و یا انتقاد به عملکرد دولت و حاکمیت داشته یا به نوشتن عقاید و نظراتش در وبلاگش پرداخته و یا حرفه ای پرخطر مثل روزنامه نگاری داشته یا یک فعال مدنی، حقوق بشری یا سیاسی بوده در نهایت چنانچه بعد از بیان عقاید و نظراتش مشکلاتی منجر به زندان برای او پیش میآید یک زندانی عقیدتی- سیاسی نامیده میشود و **کار شما بعنوان اولین سنگر حمایت از زندانی آغاز میشود.**

در نظر داشته باشید که پیگیری های شما در وضعیت عزیز دربندان بسیار موثر است. زندانی عقیدتی - سیاسی در شرایط حاضر و بر اساس تجربیات اخیر و حوادث پس از انتخابات بدون حمایت و دفاع بیرون از زندان عملاً شانس برای رسیدن به حقوق اش ندارد نه اینکه صراحتاً گفته شود قانونی در کار نیست اما در عمل شاهد بکار گیری فورمالیته، دور زدن قانون و فرار از خلاءهای قانونی هستیم. هر چقدر خانواده زندانی سیاسی - عقیدتی به حقوق خود و زندانی اش آگاه تر باشد و راه های دفاع موثر از او را بیشتر بشناسد بهتر میتواند به عزیز دربندش کمک کند و سریعتر به نتیجه برسد.

۱. پیگیری مستمر و مداوم قضایی **بجسبید و ول نکنید!** چه از وضعیت عزیزتان خبر داشته باشید چه نداشته باشید. پرونده را به یک وکیل مجرب بسپارید اما خود نیز راه دادگاه را پیش بگیرید. بگذارید قاضی پرونده با همه بی قراریها، نگرانی ها، بیماریها، بی پولی ها و همه مصائبی که در زندگی شما و دیگر اعضای خانواده تان بخاطر این بازداشت ایجاد شده آشنا شود. بگذارید وجدان اش مامور شود. سعی کنید رابطه ای منطقی، دوستانه و محترمانه داشته باشید. از بحث و مجادله و جنجال پرهیزید. جنجال افروزی را برای رسانه ها بگذارید. در هم رفتن اخم های قاضی کمکی به عزیز شما نمیکند.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

اما به قاضی نشان دهید که به همه حقوق خود و زندانی تان آشنایید. لازم است اطلاعات خود را در مورد قوانین و حقوق زندانی و آزادی بیان افزایش دهید. آگاهی شما از حقوق تان عامل بازدارنده ای برای تضییع حق است یا اگر تضییع شود شما شاهد و مستند ساز آن وقایع هستید.

۲. نامه نگاری و دیدار با مسئولان **ترسیدن دارند!**

باور کنید همه از همه چیز با خبر نیستند. واقعیت این است که بسیاری از رفتارهای خودسرانه و فشارهای بازجویان در خفا و دور از چشم مسئولان انجام میشود. دیدار با مسئولان، پرسش از آنها در مورد بی قانونیهای درون زندان، نامه نگاری و پیگیری برای پاسخ سبب میشود آن مسئولان نیز پرونده قضایی شما را پیگیری کنند. وقتی ماموران بازجو ببینند که از چند زاویه موضوع پیگیری شده است، مجبور می شود، دست و پای خود را جمع کند. همچنین وقتی شما نامه ای را برای مسئولی ارسال میکنید و رسماً درخواست رسیدگی میکنید مجبور میشوند به شما پاسخ دهند. *محتوای نامه ها شامل: شرح وقایع و موارد نقض قانون، درخواست رسیدگی بنا به وظیفه ای که دارند، درخواست آزادی زندانی. مراکز و مسئولینی که میتوانند و وظیفه پاسخگویی دارند: رئیس قوه قضاییه، دفتر بازرسی ویژه رهبری (با مسئولیت آقای ناطق نوری)، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح (برای شکایت از ماموران امنیتی و بازجویان)، کمیسیون اصل نود مجلس، شورای شهر تهران و سرانجام نامه به رهبری.

۳. ارائه اخبار به رسانه های خبری **حافظ شیرازی باشد!**

یکی از مهمترین کارهای موثر شما، روشن کردن هر چه بیشتر وضعیت زندانی برای مردم و افکار عمومی است. بگذارید همه مردم با نام و چهره و نظرات عزیز در بند شما آشنا شوند. از گفتن شرایط اسفناکی به شما تمایل شده خجالت نکشید زیرا شما قربانی بی قانونی شده اید و موردی برای شرمساری وجود ندارد. در این موارد رازداری نکنید. کوچکترین اخبار و وقایع مربوط به عزیزتان و خانواده تان را ناگفته نگذارید. از بی خبر ماندن ها تا خبر ها و دیدار ها. سوالات و ابهامات، انتقادات و گلایه ها. موارد نقض قانون، نظرات و عقاید زندانی، علت اصلی دستگیری، اتهاماتی که زده شده، تهدیدهایی که به شما میشود، همه را به گوش مردم برسانید. آنچه را که میتوانید، خود بگویید. صاحبه کنید و بنویسید. آنچه را که بنا به ملاحظات حقوقی نمیتوانید به زبان بیاورید، از طریق دیگران و غیر مستقیم به مردم بگویید. مثل خبری که در سایتهای حقوق بشری منتشر میشود. میتوانید به

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

اطرافیان‌تان بگویید و آنان به این سایتها ارسال کنند. در نظر بگیرید که ارتباط نداشتن شما با رسانه های خبری (سایتهای اینترنتی، رادیو و تلویزیونهای خارج از ایران) برای وضعیت زندانی شما بسیار بدتر از ارتباط گرفتن شماست. تجربه ثابت کرده است که افشای موارد نقض قانون در مورد زندانی و افشای بی اساس بودن اتهامات در نزد مردم و جهان برای دستگاه قضایی هزینه هایی در پی دارد و این از مهمترین عوامل کاهش فشار بر زندانی است. افشای آنچه که در خلوت و پنهان از چشم همه انجام میشود، باعث توقف یا کم شدن فشارها بر زندانی میشود.

رئوس مهم :

- ایجاد کمپین حمایتی اختصاصی برای شناساندن وی به همگان در قالب وبلاگ، فیس بوک، سایت^۷
- تهیه کتب، مقاله یا فیلم شامل بیوگرافی، عکسهای خانوادگی، سوابق کاری، نوع فعالیتها، نظرات و نگرش زندانی ، علت دستگیری و اتهامات و موارد نقض حقوق او . مصاحبه با کسانی که او را میشناسند. خاطراتی از او ، معرفی مجموعه تالیفات یا آثار و دست نوشته های وی.
- نوشتن در لغت نامه ویکی پدیا^۸، معرفی وبلاگ به سایتهای حقوق بشری و ... که اخبار معتبر را از این طریق پیگیری کنند.
- پاسخ به اتهامات با ادله محکم . اتهام زندگان را به چالش بکشید. تناقضات آن را با عملکرد و نظرات زندانی تان آشکار کنید. سند و مدرک معتبر بخواهید. دروغ ها و ادعاهای اتهام زندگان را به رخشان بکشید. به موارد قانونی برای اثبات جرم استناد کنید. برای مردم روشن کنید. **هر چه بیشتر مردم به مظلومیت زندانی شما آگاه شوند، خطر کمتری عزیزتان را تهدید میکند.** تهیه انواع محصولات هنری : فیلم، کتاب، شعر، شعر ، کاریکاتور ، عکس و ... میتواند در این زمینه قالب های مناسبی را در اختیارتان بگذارد.
- ارتباط با فعالان حقوق بشری خارج از کشور. فعالان حقوق بشری در انعکاس اخبار در سطح بین الملل ، ارسال نامه از جانب این خانواده ها به مراکز بین المللی حقوق بشری و مسئولان تاثیر گذار مانند خاویر سولانا و اتحادیه اروپا کمک ارزنده ای هستند.
- رفتار ها، برخوردها و روال قضایی پرونده را با ذکر تاریخ و جزئیات مستند کنید. در زمانهای طلایی مورد استفاده خواهد بود!

➤ دو توصیه بسیار مهم:

- عزیز دربندتان را خبر ثابت رسانه ها کنید.

^۷. بعنوان نمونه سایت ها و وبلاگهای اختصاصی عبد الله رمضان زاده و آیت ... بروجردی
^۸. مانند " احمد زید آبادی" و عبد الله رمضان زاده در ویکی پدیا .

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

حجم اخباری که در روز بر روی سایتهای خبری می‌رود، بسیار زیاد و متنوع است بنابراین برای آنکه عزیز شما فراموش نشود، باید هر از چندی بطور مرتب و پیوسته، اخباری از او و در ارتباط با او خانواده منتشر کنید.^۹

• با ارباب و تهدید کوتاه نیایید.

از تهدیدات بازجویان نترسید. آنها برای ارباب خانواده‌ها بعنوان حربه ای برای ساکت و منفعل کردنشان دست به هر تهدیدی می‌زنند تا همه چیز همچنان در خفا بماند. بخصوص وقتی خانواده فعالانه به انعکاس اخبار و یا پیگیری از مسئولان ارشد تر می‌پردازد. ممکن است شما را به سربه نیست شدن عزیزتان، دستگیری خودتان و دیگر اعضای خانواده تان، سنگین تر شدن حکم مجازات و ... تهدید کنند. حتی به گروگان گیری بپردازند همانگونه که پسر سعید حجاریان یا دختر جواد امام را بی دلیل و موقتا بازداشت کردند و یا برادر و برادر زاده خانم زهرا رهنورد که همچنان در جای نامعلومی در بازداشت هستند. اما بهترین و مطمئن ترین راه برخورد با این اربابها افشای آنها و خنثی کردن این حربه هاست. چه بصورت تلویحی و یا انتشارش از منابع دیگری غیر از خودتان .

➤ اهمیت فعالیتهای حقوق بشری در بستر رسانه ها

با ذکر مثالهایی از تاثیر این فعالیتهای میتوان به اهمیت آن پی برد:

احمد باطبی، دانشجوی زندانی که در حوادث ۱۸ تیر ۱۳۸۷ دستگیر و قریب نه سال زندانی بود، با فعالیتهای مستمر و شدید حقوق بشری، کمپین های متعدد، نامه های درخواست آزادی از شخصیتها و کشورهای خارجی به آزادی موقت دست یافت که بعد از آن از ایران خارج شد. همچنین حکم اعدام فرزاد کمانگر با وجود تایید در دادگاه تجدید نظر در اثر فشارهای داخلی و بین المللی به تعویق افتاد و تا کنون به اجرا درنیامده است. فشارهای بین المللی سبب میشود زندانیان عقیدتی - سیاسی که تابعیت خارجی نیز دارند و یا مورد توجه رسانه ها و شخصیت های خارجی هستند، کمتر مورد آزار قرار گیرند و زودتر آزاد شوند.

سرگشاده کردن نامه ها:

^۹. مانند جشن تولد سعید لیلاز، روزنامه نگار که همسرش با دعوت از افراد مختلف در پشت دیوارهای اوین برای او گرفت و روی کیک تولد، عکس لیلاز و جمله آزاد کنید به چشم میخورد.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

سرگشاده کردن نامه یعنی انتشار نامه در رسانه ها. بعضی نامه ها به مسئولین میتواند همزمان با ارسال سرگشاده شود. اما بعضی نامه ها بهتر است پس از آنکه جوابی گرفته نشد یا پاسخ سربالا به آن داده شد سرگشاده شود.

سرگشاده کردن نامه ها یک هدف را تامین میکند: آگاه شدن افکار عمومی که به نوبه خود باعث اعمال فشار بر مخاطب نامه است و وادار شدن وی به پیگیری و ارائه پاسخ.

۴. تجمعات و حرکتهای جمعی گاهی فریاد لازم است!

حرکتهای جمعی خانواده ها مانند تجمع در مقابل زندان و دادگاه، روزه و اعتصاب غذا در همراهی با زندانیان مانند آنچه در ماه اول بازداشت های انتخاباتی در جلوی زندان اوین رخ داد، توجه و نگاه همه دنیا را به اوین دوخت. مسلما برای جلوگیری از هرگونه اتهام و بازداشت مجددی در این زمینه لازم است موارد آن از نظر حقوقی بررسی و مشورت های لازم صورت گیرد.

* لازم است که اعضای خانواده با همکاری دیگر خانواده ها (کانون خانواده های زندانیان عقیدتی - سیاسی) کارها را بین خود تقسیم کنند:

- رفتن به دادگاه، ارتباط با وکیل و دیدار با مسئولان مختلف.
- نامه نگاری ها.
- مصاحبه با رادیو و تلویزیونها.
- فعالیتهای اینترنتی

کانون خانواده های زندانیان عقیدتی - سیاسی خانواده های زندانیان سیاسی که عملا یک هدف را دنبال میکنند و راه های مشترک دارند، میتوانند و ترجیحا با یکدیگر ارتباط نزدیک تر داشته باشند. ارتباط خانواده های زندانیان با یکدیگر باعث میشود که تجربیات و نظرات تبادل شود، راهکارهای مناسب تر درآورده شود، مهارتهای نوشتاری و گفتاری به مشارکت گذاشته شود و روحیه و انگیزه خانواده ها برای پیگیری پرونده ها مضاعف شود. صدای واحد یک جمع ده نفره بسیار قدرتمندتر و رساتر از ده صدای پراکنده است.

لزومی ندارد که این کانون حتما یک کانون رسمی و به ثبت رسیده باشد. منظور از کانون، دور هم جمع شدن و همفکری و همدلی با یکدیگر است.

آشنایی با روشهای ماموران و بازجویان در برخورد با خانواده های زندانیان عقیدتی - سیاسی:

- تهدید و ارباب، گروگان گیری، شنود مکالمات تلفنی که خانواده نیز متوجه بشود.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

- توهین به زندانی جلوی خانواده و برخوردهای توهین آمیز با خانواده در هنگام ملاقات و مراجعه
- پاسخ های مبهم، ترسیم فضایی ناامید کننده برای سرنوشت زندانی نزد خانواده
- تخلیه اطلاعاتی و سوء استفاده از آنها برای فشار به زندانی.
- عدم اجازه ملاقات با زندانی برای اعمال شکنجه روانی به هر دو طرف (زندانی و خانواده)
- قول و قرار بی اعتبار و عدم عمل به آنها
- معامله بر سر حقوق قانونی زندانی و خانواده اش به قصد امتیاز گیری
- سردواندن و امروز و فردا کردن برای خستگی و به انفعال کشاندن خانواده
- دروغ گویی^{۱۰}

^{۱۰}. به همسر احمد زید آبادی گفته بودند که وی خود از گرفتن وکیل امتناع کرده است در حالیکه زید آبادی در ملاقات با همسرش آن را رد کرد. و یا گفتن اینکه سعید حجاریان در یک خانه تحت نظر پزشکی است اما از اوین آزاد شد.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

➤ نمونه ای از نامه نگاری:

نامه دادخواهی پدر و مادر پیمان عارف به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

هیات پیگیری حوادث پس از انتخابات- کمیسیون اصل ۹۰

با سلام

احتراما به اطلاع می‌رسانیم که پیمان عارف فرزند اینجانبان جلیل عارف و مهناز مدیر در همان نخستین روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری بازداشت و پس از گذشت نزدیک به هفتاد و پنج روز زندان انفرادی و طی مراحل بازجویی، هم‌اکنون در زندان اوین نگهداری می‌شود. شایان ذکر است که فرزند ما از دانشجویان نخبه (رتبه سوم آزمون کارشناسی ارشد) می‌باشد که در مراحل پایانی اخذ مدرک کارشناسی ارشد به دلایل نامشخص و کاملا ناعادلانه از ادامه تحصیل منع و به اصطلاح رایج ستاره دار شد. او بلافاصله پس از ترک اجباری دانشگاه به خدمت سربازی در شهرستان رشت رفت و مشغول انجام خدمت وظیفه در نیروی انتظامی شد.

گذشته از چند و چون حوادث و رویدادهایی که منجر به بازداشت فرزند ما گردید، تصمیم گرفتیم که با تنظیم این نامه به ذکر مصائب و مشکلاتی بپردازیم که در طی ماههای اخیر بر فرزند و خانواده ما رفته است.

۱- فرزند ما در تاریخ ۸۸/۳/۲۸ در محل خدمت سربازی و در شهر رشت بدون طی مراحل قانونی شامل تفهیم اتهام و یا اخذ وکیل بازداشت شد و به مدت ۷۵ روز بوسیله حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در مکانی نامعلوم نگهداری شد. در طول این مدت فرزند ما تحت بازجویی‌های بلندمدت و شرایط خاص همراه با رفتارهای غیرقانونی بوده است. شکسته شدن دندان جلویی او (که براساس قوانین کیفری و جزایی جرم محسوب شده و شامل دیه می‌شود) از جمله شواهدی است که نشان از رفتارهای خلاف قانونی با فرزند ما در مدت بازداشت دارد.

۲- پس از طی مراحل بازجویی در مکان نامشخص، پیمان در نخستین جلسه با دادیار نظامی، مستندات خویش مبنی بر عدم صلاحیت آن دادر را ارائه می‌کند که از سوی دادیار محترم پذیرفته شده و آن دادر قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و پرونده به دادرای عمومی و انقلاب ارجاع می‌گردد. در مدت رسیدگی پرونده در دادرای انقلاب تهران نیز متأسفانه مسئولین با رفتارهای نامناسب از ارائه هرگونه اطلاعات در مورد اتهامات پیمان خودداری کرده و حتی بعضا در جواب پیگیری‌های مداوم ما، رئیس شعبه ۶ دایره اجرای احکام دادگاه انقلاب با استفاده از عبارات ناشایست و فحاشی به زخم ما نمک پاشید و حتی مدعی شدند که فرزند ما معتاد بوده و از منزل او مقادیر زیادی وسایل لهو و لعب کشف شده است.

این درحالی است که در نخستین تماس ما با بازجوی اصلی پرونده که خود را بنام حاج آقا معرفی می‌کرد، در پاسخ به پرسش ما در مورد اتهام فرزندمان گفته شد: " که ای کاش او معتاد بود ولی این اتهامات متوجه او نمی‌شد. که البته بازهم در مورد نوع اتهام به ما اطلاعی داده نشده و به این جمله اکتفا کردند که : کله پسر شما بوی قرمه سبزی می دهد."

۳- نهایتا در روزهای اخیر به ما اعلام شد که برای پیمان قرار وثیقه صادر شده است که بلافاصله وثیقه لازم از سوی ما تهیه و تحویل دادگاه شد. با این وجود مقامات مسئول از آزاد نمودن فرزندمان خودداری نموده و او را به بهانه پرونده دیگری به زندان اوین منتقل نمودند. گفتنی است

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

که مستند ارائه شده برای به زندان انداختن پیمان مربوط به حکمی است که اجرای آن در سال هشتاد و شش به دلیل عدم رعایت قانون در فرایند دادرسی و حتی نحوه اعلام حکم به دستور قوه قضائیه متوقف شده بود.

نکته جالب اینکه شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر در پاسخ به پرسش ما در خصوص پرونده پیمان هرگونه حکم از سوی آن شعبه محترم را انکار نمودند، ضمن اینکه به فرض صدور این حکم این پرسش مطرح می‌شود که کدام دادگاه تجدیدنظر بدون درخواست از متهم برای ارائه لایحه دفاعیه و تجدیدنظرخواهی، حکم صادر می‌کند؟ از این رو به نظر می‌رسد اجرای این حکم بلافاصله پس از تودیع وثیقه، نشان از وجود اراده ای برای کارشکنی در مراحل آزادی فرزندمان دارد. در پایان از آن مسئولین محترم می‌پرسم که آیا درست است که با خانواده‌ای فرهنگی که سه دانشجو تحویل جامعه داده است این‌گونه رفتار شود؟ آیا درست است که با سناریوسازی و مشوش کردن اذهان، افراد نخبه و علمی همچون فرزند ما به بند کشیده شوند و پس از ۷۵ روز تحمل زندان انفرادی به بهانه دیگری در زندان نگهداری شوند؟

مادر پیمان در اثر هجوم مأموران به منزل دچار حمله عصبی شده به نحوی که منجر به انجام عمل جراحی بر روی دست او گردید. پدر پیمان در اثر رفت و آمد بین تهران و تبریز دچار بیماری کمردرد شد و البته کار ایشان هم در نهایت به بیمارستان و انجام عمل جراحی کشید. از سوی دیگر هر روز خبری ناگوار از وضعیت نگهداری جگرگوشه ما در زندان اوین به گوش می‌رسد. یک روز از حمله قلبی و انتقال به بیمارستان خبر می‌دهند و روز دیگر از نگهداری او در بند فاقد امکانات اولیه بهداشتی و در کنار مجرمان خطرناک. آیا این روش برخورد با دانشجوی نخبه‌ای که به فرض اشتباهی هم کرده، صحیح است؟ آیا او به جرم این اشتباهات می‌بایست در بند مجرمان خطرناک نگهداری شود؟ آیا در میان مردان نیک‌اندیش این دیار کسی نیست که بخواهد از راه گفتگو و اقناع، به اصلاح اشتباهات فرضی فرزند ما اقدام کند؟ اگرچه اطمینان داریم که پیمان هرگز دچار اشتباهات نظیر آن‌چه که بعضا به ناحق بیان می‌گردد، نشده است اما به فرض آن‌که این اتهامات درست باشد، خانواده چه گناهی کرده که بدلیل پیگیری وضعیت جگرگوشه خویش باید با انواع توهین‌ها و دشنام‌ها روبرو شود؟

چرا کسی پاسخگوی دل زخم خورده ما نیست؟

در پایان از شما مسئولین محترم درخواست داریم که نسبت به آزادی فرزند ما اقدام نموده و تمام مساعی خویش را متوجه اصلاح رویه برخورد با دانشجویان و متهمان فکری و عقیدتی کنید تا شاید پیمان و پیمان‌ها از بند بی‌عدالتی و رفتارهای نامناسب رهانده شده و شور و احساسات جوانی آنها دست مایه پرونده‌سازی و رفتارهای خلاف قانون نشود.

با تشکر و تجدید احترام

خانواده عارف

➤ نمونه ای از معرفی در ویکی پدیا

Sadaza-2009@live.com

احمد زیدآبادی

تولد	۱۳۴۴ سیرجان - زیدآباد
زمینه فعالیت	روزنامه‌نگار، تحلیل‌گر سیاسی
ملیت	 ایران
همسر	مهديه محمدی
فرزندان	پرهام، پارسا و پویا ^[۱]

احمد زیدآبادی (زاده ۱۳۴۴ **سیرجان** - زیدآباد) روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی **اصلاح‌طلب ایرانی** و دبیر کل سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی است. زیدآبادی دکترای **روابط بین‌الملل** از **دانشگاه تهران** دارد. تز دکترای او «دین و دولت در اسرائیل» نام داشت و کارشناس مسائل **اسرائیل** به شمار می‌آید. او در سال ۱۳۷۹ به جرم تبلیغ علیه نظام، تشویش اذهان عمومی و اقدام افسارگسیخته علیه نظام ۱۳ ماه در **زندان** به سر برد^[۱].

سابقه **روزنامه‌نگاری** او از سال ۱۳۶۸ در **روزنامه اطلاعات** شروع می‌شود. او با **روزنامه همشهری** و روزنامه‌های اصلاح‌طلب پس از **دوم خرداد** و در سال‌های ۱۳۸۷–۱۳۸۶ با هفته‌نامه **شهروند امروز** همکاری داشت. او سردبیر **روزنامه آزاد** بود که در سال ۱۳۷۸ منتشر می‌شد. او عضو هیئت مدیره **انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران** و عضو شورای سیاست‌گذاری سازمان ادوار تحکیم وحدت و دبیرکل این سازمان نیز هست^[۲]**[پیوند مرده]**.

او بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم بازداشت شد. همسر وی بعد از ملاقات با او اعلام کرد او از زمان دستگیری در اعتراض به "بازداشت غیرقانونی و رفتارهای خارج از قانون" دست به **اعتصاب غذا** زده است. زیدآبادی ۱۷ روز در یک اطاق یک در یک و نیم متر، در یک سلول انفرادی در حال اعتصاب غذا بوده و ۱۸ روز دیگر هم بدون اعتصاب غذا در همان اتاق بدون هیچ تماس و ارتباطی نگه داشته شد. (در مجموع ۳۵ روز) و قصد **خودکشی** داشته^[۳].

آویرایش آثار

- «دین و دولت در اسرائیل». *تهران: نشر روزنگار*، ۱۳۸۱، ۱۹۷ صفحه

آویرایش منابع

- ↑ برای پرهام زیدآبادی. *روزنامه اعتماد ملی* (در تاریخ ۲۴ تیر). بازدید در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۸۸.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

۲. [همه آنان که طعم زندان کشیده‌اند](#) فاطمه امیری، [روزنامه ایران](#)، ۱۶ مرداد ۱۳۸۲ شماره ۲۵۴۳ - بازدید: بهمن ۱۳۸۷
۳. [\[۱۲\]](#)
۴. [«هیچ جرمی در پرونده‌های ما نیست» - رادیو زمانه](#)
۵. [زیدآبادی دچار جنون شده بود - روز](#)

عبد الله رمضان زاده

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

عبدالله رمضان‌زاده سیاستمدار ایرانی استاد دانشگاه تهران و قائم مقام دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی (مهم ترین طیف اصلاح طلب) است. او در دولت اول محمد خاتمی، استاندار استان کردستان و در دولت دوم خاتمی وی دبیر و سخنگوی هیئت دولت بود. رمضان‌زاده پیش از این رئیس اداره طرح و برنامه وزارت کشور، مدیر کل سیاسی وزارت کشور و استاندار کردستان بوده است. او اینک از اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی است. وی در میان بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم ایران است.^۱

شناسنامه

نام کامل	عبدالله رمضان زاده
زادروز	۳۰ آبان ۱۳۴۰
زادگاه	گچساران، ایران
فرزندان	محمد و احمد

اطلاعات سیاسی

حزب سیاسی	جبهه مشارکت ایران اسلامی
سمت	قائم مقام دبیر و سخنگوی دولت

- پست‌های قبلی
- استاندار کردستان
 - مدیر کل سیاسی وزارت کشور
 - رئیس اداره طرح و برنامه وزارت کشور

فعالیت‌ها	تدریس در دانشگاه
-----------	------------------

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

زندگینامه

وی فرزند دوم یک خانواده هشت نفری از والدینی کرد است که در سال ۱۳۴۰ در شهرستان [گیساران](#) به دنیا آمد. پس از تولد به همراه خانواده به شهرستان [بیجار](#)، محل زندگی پدری خویش، بازگشت. در سال ۱۳۴۹ به همراه خانواده به تهران مهاجرت کردند و در محله [سیزده آبان](#) در مجاورت شهر ری سکنی گزیدند.

از ابتدای نوجوانی وارد فعالیت‌های انقلابی شد. هنگام ورود [امام خمینی](#) (به تهران از محافظین امام بود. بعد از انقلاب به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد و چند بار هدف ترورهای گروهک‌های تروریستی قرار گرفت که جان سالم به دربرد و وی در سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد و صاحب دو فرزند به نام‌های محمد (متولد ۱۳۶۸) و احمد (متولد ۱۳۷۱) می‌باشد. در هنگام جنگ با [رژیم بعث عراق](#) گاه می‌شد به همراه سه برادر خود همزمان در جبهه‌ها حضور داشته باشد. رمضان زاده تنها کردی از استان کردستان است که در دولت جمهوری اسلامی این امکان را یافته تا این حد مدارج ترقی را طی کند. لازم به ذکر است که یکی از برادران ایشان جانباز شیمیایی و برادر دیگرشان حدود نود ماه در مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس حضور داشته‌اند همچنین همسر ایشان خواهر شهید کریم زاده هستند.

سوابق تحصیلی

رمضان زاده در سال ۱۳۵۹ از دبیرستان هدف دیپلم ریاضی خود را گرفت. وی در سال ۱۳۶۱ پس از اتمام دوره سربازی که مصادف با بازگشایی دانشگاه‌ها بعد از [انقلاب فرهنگی](#) بود، در کنکور آن سال نمره عملی پذیرش در دانشگاه امام صادق (ع) را کسب کرد. و به سبب شرایط زمانی بعد از [انقلاب اسلامی](#) و دغدغه‌های مذهبی و انقلابی در رشته [علوم سیاسی](#) به عنوان اولین دوره دانشجویی وارد [دانشگاه امام صادق](#) شد. وی مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را از [دانشگاه امام صادق](#) کسب کرد. رمضان زاده از شاگردان آیت الله [مه‌دوی کنی](#) محسوب می‌شود^{۱،۲} و با شرکت در آزمون اعزام به خارج توانست رتبه دوم را کسب کند. برای ادامه تحصیل به کشور [بلژیک](#) اعزام شد و توانست طی مدت چهار سال مدرک دکتری خود را از دانشگاه لوون ([Katholieke Universiteit Leuven](#)) کسب کند.

پایان نامه دکتری وی در مورد مشکلات قومیت‌ها در ایران و با عنوان *«Internal and international dynamics of ethnic conflict: the case of Iran»* منتشر گردید^{۱،۲}.

خدمات رمضان زاده در کردستان

بعد از درگیری‌های خونین اوایل انقلاب در استان کردستان و گسترش شکاف دولت و ملت، نخبگان کرد در استان کردستان خسارات سنگینی متحمل شدند. حضور رمضان زاده در قامت استاندار کردستان کارکردهای متعددی داشت. از سویی تقویت اعتماد به مردم کردستان و ترمیم بخشی از شکاف بین دولت و ملت در این منطقه از نتایج این انتخاب بود چرا که یکی از شهروندان کرد در استان کردستان مسئولیت استانداری را قبول کرده بود. با حضور رمضان زاده برای اولین بار بعد از دولت موقت نیروهای بومی به خصوص اهل سنت این امکان را یافتند تا در مناصب مدیریتی چون معاون استاندار، فرماندار، مدیر کل برنامه و بودجه، راه، صنایع و... سهمی در استان به دست آورند. تا قبل از این حتی یک فرماندار کرد سنی مذهب هم در استان کردستان حضور نداشت. اما با حضور وی این سد شکسته شد و فرمانداران متعددی از نیروهای بومی در مصدر امور قرار گرفتند. همچنین با حضور رمضان زاده استان کردستان از حالت نظامی به حالت انتظامی تغییر موقعیت داد که سبب گسترش امنیت کردستان و در نتیجه موجب گسترش سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه‌های بیشتر برای توسعه منطقه شد. برگزاری دو جلسه هیات دولت در باره استان کردستان هم موجب جهش و رشد بی سابقه بودجه‌های عمرانی استان شد، تاسیس صدها شبکه بهداشت و درمان روستایی، تاسیس مدرسه در مناطق روستایی، برق دار شدن تقریباً تمام روستاهای بالای ۲۰ نفر استان کردستان، اصلاح سیستم مواصلاتی و راه‌های روستایی در کردستان و تصویب ساخت آزادراه کرمانشاه و همدان و نهایتاً به آذربایجان غربی و گسترش راه آهن همدان به سنندج، تصویب ساخت فرودگاه سقر از جمله

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

دستاورد‌های این دوره محسوب می‌شود هر چند که در دولت بعد برخی از این طرح‌ها و کارها مورد توجه مسئولان قرار نگرفتند. در کنار این تحولات در حوزه فرهنگ هم رویدادهای مثبتی در کردستان رخ داد که از آن جمله می‌توان به فعالیت نشریات بومی و محلی اشاره داشت. در زمان استانداری وی سرانه اعتیاد در کردستان به کمترین میزان بعد از انقلاب رسید. رمضان زاده در این ایام نمادی از توجه دولت به مردم استان کردستان و تغییر نگرش به مسائل منطقه محسوب می‌شد. گسترش امید به آینده در میان مردم استان از نتایج وضعیت تازه بود. در وصف اوضاع این روزهای استان کردستان یکی از نشریات غربی با انتشار گزارشی تیتیر کردهای خوشبخت را برای مردم استان کردستان در مقایسه با سایر کردها در کشورهای عراق و ترکیه برگزیده بود.^[۱۴]

پارهای از سوابق سیاسی و اجرایی

- عضویت در کمیته انقلاب اسلامی
- دبیر آموزش و پرورش
- رئیس اداره طرح و برنامه وزارت کشور^[۱۵]
- مدیر کل سیاسی وزارت کشور
- فعالیت در مرکز تحقیقات استراتژیک (سال ۱۳۷۵)
- استاندار کردستان (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)
- عضو هیات علمی دانشگاه تهران و استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (سال ۱۳۷۵ و ادامه دارد)
- عضویت در شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی
- عضو هیات امنای دانشگاه‌های غرب کشور
- عضو هیات امنای دانشگاه‌های علوم پزشکی مناطق محروم
- دبیر و سخنگوی دولت (سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴)
- قائم مقام جبهه مشارکت اسلامی (سال ۱۳۸۵ و ادامه دارد)

انتقال به مکان نامعلوم بعد از انتخابات ۱۳۸۸

دکتر رمضان زاده در طول یک ماه پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ حدود ۵۰ سخنرانی و مناظره در استان‌ها و دانشگاه‌های مختلف کشور انجام داد. وی از منتقدان سرسخت دولت احمدی نژاد است و انتقادات فراوانی را متوجه احمدی نژاد ساخت. وی در پی پیامدهای اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران و دستگیری‌های فله‌ای فعالان سیاسی به صورت خشونت آمیز بازداشت گردید.

شرح دستگیری

دکتر عبدالله رمضانزاده عصر روز ۲۳ خرداد پس از جلسه اضطراری حزب مشارکت در مورد رویدادهای پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸) در مسیر منزل به همراه فرزندش، عده‌ای لباس شخصی جلو اتومبیل او را می‌گیرند و با اسلحه وارد ماشین شده و بعد از شکستن شیشه‌های اتومبیل، وی را تهدید می‌کنند که همراه او برود. اما رمضان زاده از رفتن سر باز می‌زند و از آنها می‌خواهد که حکم بازداشت او را نشان دهند که در این هنگام این افراد پسر وی را از ماشین به بیرون پرت می‌کنند و با ضرب و شتم رمضان زاده سعی در بازداشت او داشتند که مردم متوجه می‌شوند و در اطراف اتومبیل جمع می‌شوند. بالاخره ماموران با ضرب و شتم وی و با شکستن سر او به وسیله اسلحه او را بدون داشتن هیچ گونه حکم قضایی با خود می‌برند و با اسپری فلفل به صورت پسر وی حمله می‌کنند.^[۱۶]

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

دکتر رمضان زاده از ۲۳ خرداد در [بازداشتگاه ۲ الف زندان اوین](#) تا یکصد و دهمین روز بعد از دستگیری در سلول انفرادی بازداشت بوده و تحت بازجویی‌های سنگین قرار گرفتند و به مدت قریب به سه ماه به هیچ یک از اعضای خانواده رمضان زاده و همچنین وکلای وی اجازه ملاقات با وی را نداده‌اند. ایشان پس از یکصد و ده روز تحمل سلول انفرادی هم اکنون در سلولی دیگر به همراه آقایان دکتر میردامادی، ابطحی، تاجبخش و فریدی در انتظار برگزاری دادگاه هستند. در یک مصاحبه پس از دستگیری دکتر رمضان زاده ضمن بیان نحوه دستگیری خود و مضروب شدن توسط ماموران، تاکید کردند که علی رغم فشار بازجویان برای انجام مصاحبه و اعتراف علیه دیگران، حاضر به انجام مصاحبه نشده‌اند.

Sadaza-2009@live.com

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

➤ نمونه ای از یک کمپین حمایتی

کمپین برای آزادی فرزاد کمانگر

Amnesty international - Iran: teacher and trade unionist at risk ...

International Committee Against Executions : Stop the executi...

فرزاد در زندان / عابد تواجیه ۸۸/۲/۱۲

آقا معتم زندانی است / بهزاد مهرانی ۸۸/۲/۱۲

فرزاد تو معلم آزادی و ایستادگی هستی / حسین رونق مانی ۸۸/۲/۱۲

...با حمایت از فرزاد، تجميع فعالان صنفی معتم و فعالان حقوق بشر در این بابویه / همراه با ت

نسل سوخته، نامه ای از فرزاد کمانگر ۸۸/۲/۱۲

روزت مبارک معلم زندانی محکوم به اعدام / مجتبی سمیع نژاد ۸۸/۲/۱۲

اطلاعیه مطبوعاتی : فرزاد کمانگر را آزاد کنید ۸۸/۲/۱۲

رنگ این روز معلم، تقدیم به فرزاد کمانگر / شیدا جهان بین ۸۸/۲/۱۲

بیانیه‌ی اتحادیه های کارگری بین المللی به مناسبت روز جهانی کارگر ۸۸/۲/۹

نامه جولیا سوسا دبیر ستادگاهای آرژانتین به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر ۸۸/۲/۸

فرزاد و قسمتهایی از بیانیه کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ۸۸/۲/۸

نامه نمایندگان مجلس به ریاست این فوه در خصوص فرزاد کمانگر ۸۸/۱/۲۲

یکصد امضاء از طرف فرزاد کمانگر تقدیم به کمپین تغییر برای برابری ۸۸/۱/۱۷

فرزاد کمانگر و آثانی که باید شرمسار باشند / شاهد عنوی ۸۸/۱/۱۶

فرزاد کمانگر تنها یک معلم بود عاشق محرومترین دانش آموزش، یک فعال حقوق بشری که حرمت انسانها را تقوی خود نمود ، بالاخص وضعیت زنان را سبب مسجل نقض حقوق بشر خواند، معنادار را بیمارانی نیازمند دانست و به همت خود صدها بیمار را درمان نمود ، روزنامه نگاری بود که از واژه عشق قلم فرسایی مینمود ، او روحیه لطیف خود را در حمایت از محیط زیست و طبیعت پیرامونش متبلور نمود ، خشونت را محکوم مینمود.

اما اکنون سرکوبگران بیش از ۱۹ ماه است که او را به جرم دگراندیشی و حق طلبی به مسلخ برده اند، شکنجه هایی قرون وسطایی نموده اند که انسانیت را توان پارگو نمودنش نیست . در ۲ دقیقه و ۲۰ ثانیه او را بدون هیچ مدرکی ، پس از ماهها شکنجه ، تنها در تداوم بنیت برده های سیاسی به مرگ محکوم نمودند ، فرزاد قهرمانانه و سرفراز در بیدارگاش سرود خواند.

آزادگان ، به نام انسانیت و به نام آزادی با امضای این اعتراضیه که به افکار عمومی ، رسانه ها ، سازمانهای مدافع حقوق بشری و تشکلات قضائی جمهوری اسلامی ارسال خواهد گشت . لغو حکم غیر انسانی این آزادمرد آزاداندیش و آزادی بی فسد و شرطش را خواستار شوید.

Farzad Kamangar is a ۳۳ year old teacher, journalist and a member of Human Rights .Activists in Iran Mr. Kamangar is of the Kurdish Ethnicity and was teaching in the city of Kamyaran before his arrest in August of 2006

In the past 19 months Mr. Kamangar has been subjected to the most brutal tortures imaginable. On February 25th 2008 was found guilty of “risking national security and being a member of the Kurdistan Workers Party” and sentenced to .death

Mr. Kamangar has at all times maintained his

Sadaza-2009@live.com